



امامت در فرزندان امام علی

کلیدواژه: امامت، امام علی.

پرسش: چند حدیث در مورد امامت فرزندان گرامی علی (علیه‌السلام) بفرمایید؟

فهرست مندرجات

- ۱- روایات از جابر
- ۲- روایت از ابن عباس
- ۳- روایت از نصر بن سوید
- ۴- بانویس
- ۵- منبع

روایات از جابر

«جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ: دَخَلَتْ عَلَيَّ فَاطِمَةُ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ)، وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا، فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ، اخَذَهُمُ الْقَائِمُ، ثَلَاثَةَ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ أَرْبَعَةَ مِنْهُمْ عَلِيٌّ.»

- [۱] صدوق، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۸۰، ۵۴۰۸.
- [۲] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۲، ۹ و فيه «ثلاثة» بدل «اربعة»، و الظاهر انه تصحيف من النسخ.
- [۳] مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ج ۶، ص ۲۲۷، ۹.
- [۴] صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۶۹، ج ۱.
- [۵] صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۱۱، ج ۲.
- [۶] مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۶.
- [۷] حموی، حویی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۹ کلها عن ابی الجارود عن الامام الباقر (علیه‌السلام).

جابر بن عبدالله انصاری: در حالی بر فاطمه (سلام‌الله‌علیهم) وارد شدم که در پیش روی او لوحی بود حاوی اسامی اوصیای از فرزندان او. من آنها را شمردم، دوازده تن بودند، یکی از آنها **قائم** بود و سه تن از آنها محمد و چهار تن، علی بودند.»

«جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ: لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) عَلَيَّ نَبِيَّ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَ

أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» [سورهٔ نساء/آیه ۵۹].
قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَمَنْ أَوْلُو الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ؟ فَقَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ، وَ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ [مِنْ] بَعْدِي، أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفِ فِي التَّوْرَةِ بِ «الْبَاقِرِ»، وَ سَتِّدِرْكُهُ يَا جَابِرُ، فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرَبُهُ مِثِّي السَّلَامَ، ثُمَّ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ سَمِيئَةَ وَ كِنِيئَةَ، حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ بَقِيَّتَهُ فِي عِبَادِهِ، ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَيَّ بِدِيَةِ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَن شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَنْبُتُ فِيهَا عَلَيُّ الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ أَمَّتْهُ اللَّهُ قَلْبَةً لِلْإِيمَانِ؛

- [۱] صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ص ۲۵۲، ج ۲.
- [۲] این شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۸۲.
- [۳] حسینی استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة، ص ۱۴۱.
- [۴] خزاز قمی رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر، ص ۵۲.

جابر بن عبدالله انصاری: چون **خداوند (عزوجل)** بر پیامبرش **محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** **آیه** «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و **رسول** و **اولوالامر** خویش فرمان برید» را نازل فرمود، عرض کردم: یا رسول‌الله! ما خدا و رسول را شناخته‌ایم، اولوالامری که خداوند فرمان‌بری از ایشان را در کنار فرمان‌بری از شما آورده کیانند؟ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: ای جابر! آنها جانشینان من و **امامان مسلمانان** پس از من هستند. نخستین ایشان **علی بن ابی‌طالب** است و سپس **حسن** و **حسین** و پس از او **علی بن الحسین** و سپس **محمد بن علی** که در **تورات** به «باقر» شهرت دارد و توای جابر او را درک خواهی کرد، هر گاه او را دیدی سلام مرا به او برسان، سپس صادق **جعفر بن محمد** سپس **موسی بن جعفر**، سپس **علی بن موسی**، سپس **محمد بن علی**، سپس **علی بن محمد**، سپس **حسن بن علی**، سپس همنام و هم کنیه من **حجت خدا** در زمین و باقیمانده او در میان بندگان، فرزند حسن بن علی خواهد بود، همان که خداوند والانام به دست او خاور و باختر زمین را بگشاید و همان که از دیدگان شیعیان و اولیایش پنهان خواهد شد و در آن زمان جز کسی که خداوند دلش را برای ایمان

خالص کرده کسی در اعتقاد به **امامت** او پایدار نخواهد ماند.»

«جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ: دَخَلَ جَدْنُلُ بْنُ جُنَادَةَ بْنِ جُبَيْرِ الْيَهُودِيِّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَقَالَ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ: أَخْبَرَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ أَوْصِيَائِكَ مِنْ بَعْدِكَ لِأَتَمَّسَكَ بِهِمْ. قَالَ: أَوْصِيَائِي الْإِثْنَا عَشَرَ. قَالَ جَدْنُلٌ: هَذَا وَجَدْنَاهُمْ فِي التَّوْرَةِ، وَ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَمِعْتُمْ لِي.»

فَقَالَ: أَوْلَهُمْ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ أَبُو الْأَيْمَةِ عَلِيُّ، ثُمَّ ابْنَاهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، فَاسْتَمْسِكَ بِهِمْ وَ لَا يَغْرُوكَ جَهْلُ الْجَاهِلِينَ، فَإِذَا وُلِدَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ يَقْضَى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَ يَكُونُ آخِرَ زَادِكَ مِنَ الدُّنْيَا شَرِيَةً لَبِنَ تَشْرِيَتِهِ. فَقَالَ جَدْنُلٌ: وَجَدْنَا فِي التَّوْرَةِ وَ فِي كُتُبِ الْأَنْبِيَاءِ: أَيْلِيَا وَ شَبْرًا وَ شَبِيرًا، فَهَذِهِ أَسْمَاءُ عَلِيِّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، فَمَنْ بَعَدَ الْحُسَيْنِ، وَ مَا اسْمِيهِمْ؟

قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِذَا انْقَضَتْ مُدَّةُ الْحُسَيْنِ فَلِإِمَامِ ابْنِهِ عَلِيٍّ وَ يَلْقَبُ زَيْنَ الْعَابِدِينَ، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ يَلْقَبُ بِالْبَاقِرِ، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ جَعْفَرٌ يَدْعَى بِالضَّادِ، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ مُوسَى يَدْعَى بِالْكَاطِمِ، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ عَلِيُّ يَدْعَى بِالرِّضَا، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ يَدْعَى بِالْتَّقِيِّ وَ الزَّكِيِّ، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ عَلِيُّ يَدْعَى بِالْتَّقِيِّ وَ الْهَادِي، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ يَدْعَى بِالْعَسْكَرِيِّ، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ يَدْعَى بِالْمَهْدِيِّ وَ الْقَائِمِ وَ الْحُجَّةِ، فَيَغِيبُ ثُمَّ يَخْرُجُ، فَإِذَا خَرَجَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، طَوْبَى لِلصَّابِرِينَ فِي عَيْبَتِهِ، طَوْبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ، أَوْلِيكَ الَّذِينَ وَصَّوهُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَ قَالَ: «هَذِهِ لِلْمُتَّقِينَ • الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»

[113] بقره/سوره 2، آیه 2 و 3.

ثُمَّ قَالَ تَعَالَى: «أَوْلِيكَ جِزْبُ اللَّهِ الْإِنِّ جِزْبُ اللَّهِ هُمْ الْمُفْلِحُونَ»؛

[114] محادثة/سوره 58، آیه 22.

[115] قیدوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، بتابع الموده، ج 2، ص 282، ج 2.

جدنل بن جنادة بن حنبل یهودی بر پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) وارد شد و در حدیثی طولانی گفت: یا رسول الله! از جانشینان پس از خود مرا آگاه کن تا بدیشان توسل جویم. پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: جانشینان من دوازده تن هستند. جدنل گفت: در تورات این گونه آنها را یافته‌ام. او گفت: یا رسول الله! آنها را برای من نام ببر. پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: نخستین آنها سرور اوصیا پدر امامان علی است، سپس دو فرزند او حسن و حسین، پس بدیشان توسل جوی و نادانی نادانان تو را نفریبد، پس هر گاه علی بن الحسین زین العابدین زاده شود خداوند عمر تو بگیرد و آخرین توشه تو از دنیا جرعه‌ای **شیر** است که آن را می‌اشامی. جدنل گفت: ما در تورات و **کتاب انبیا ایلیا و شیر و شیر** دیده‌ام، پس اینها اسامی علی، حسن و حسین هستند. پس از حسین چه کسانی هستند و نام آنها چیست؟ پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: چون دوران حسین سپری شود فرزند او علی امام است که به زین العابدین ملقب است، پس از او پسرش محمد می‌آید که به باقر ملقب است و پس از او پسرش جعفر که صادق خوانده می‌شود، پس از او پسرش موسی است که کاظم خوانده می‌شود، پس از او پسرش علی است که رضا خوانده می‌شود، پس از او پسرش محمد است که تقی و زکی خوانده می‌شود و پس از او پسرش علی است که نقی و هادی خوانده می‌شود و پس از او پسرش حسن است که عسکری خوانده می‌شود و پس از او پسرش محمد است که مهدی خوانده می‌شود و قائم و حجت است و غایب می‌شود و سپس خروج می‌کند، پس هر گاه خروج کند **زمین را از عدل و داد** بیاکند چنان‌که از **ظلم و ستم** آکنده است، خوشا به حال صابران در **دوران غیبت** او و خوشا به حال کسانی که دل به **محبت** آنها بسته‌اند، اینها همان کسانی هستند که خداوند آنها را در کتابش توصیف کرده و فرموده است: «هدایت است برای پرهیزگاران، کسانی که به غیب ایمان دارند»، سپس فرموده است: «ایشان حزب خداوند، هان، حزب خدا، همان رستگارانند».

روایت از ابن عباس

«ابن عباس: قَدِمَ يَهُودِيٌّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقَالُ لَهُ تَعَلَّلْ، فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ، إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنِ أَشْيَاءَ تَلْجُحُ فِي صَدْرِي إِلَى أَنْ قَالَ: أَخْبَرَنِي عَنْ وَصِيكَ مَنْ هُوَ؟ فَمَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَ لَهُ وَصِيٌّ، وَ أَنْ نَبِيًّا مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَوْصَى إِلَى يُوْشَعَ بْنِ نُونٍ، فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّ وَصِيَّيَ وَ الْخَلِيفَةَ مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، وَ بَعْدَهُ سَيْطَايُ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ، يَتْلُوهُ تِسْعَةَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ، ائِمَّةً اِبْرَارًا. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، فَسَمِعْتُمْ لِي، قَالَ: نَعَمْ، إِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ فَابْنُهُ عَلِيُّ، فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ، فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ جَعْفَرٌ، فَإِذَا مَضَى جَعْفَرٌ فَابْنُهُ مُوسَى، فَإِذَا مَضَى مُوسَى فَابْنُهُ عَلِيُّ، فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ، ثُمَّ ابْنُهُ عَلِيُّ، ثُمَّ ابْنَةُ الْحَسَنِ، ثُمَّ الْحُجَّةُ ابْنُ الْحَسَنِ، فَهَذِهِ ائِمَّةٌ عَشْرٌ أَمَامًا عَدَدَ نَبِيَّاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، قَالَ: فَايْنَ مَكَانَهُمْ فِي الْجَنَّةِ؟ قَالَ: مَعِيَ فِي دَرَجَتِي؛

[116] حمویی، حویی، ابراهیم بن مجد، فراند السمطين، ج 2، ص 133، ج 2.

ابن عباس: یک **یهودی** نزد پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) آمد که **تعطل** خوانده می‌شد. او به پیامبر گفت: ای محمد! می‌خواهم پیرامون اموری از تو پرسش کنم که در سینه من خلجان دارد تا آن‌که گفت مرا از جانشینت آگاه کن که او کیست؟ زیرا پیامبری نیست مگر آن که جانشینی دارد و پیامبر ما **موسی بن عمران یوشع بن نون** را جانشین خود قرار داد. پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: آری، جانشین و خلیفه پس از من علی بن ابی‌طالب (عليه السلام) است و پس از او دو نوه من حسن و سپس حسین و نه تن از پشت حسین خواهند بود که امامانی نیک‌اند. او گفت: ای محمد! آنها را برای من نام ببر. پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: آری، آن گاه که حسین راه خود را سپرد پس از او علی خواهد آمد و هر گاه علی رفت پس از او محمد خواهد آمد و هر گاه محمد رفت پس از او جعفر می‌آید و هر گاه جعفر رفت پس از او موسی خواهد آمد و هر گاه موسی رفت پس از او علی می‌آید و هر گاه علی رفت پس از او جعفر می‌آید و پس از او پسرش علی و سپس پسرش حسن و پس از او **حجة بن الحسین**. اینها دوازده امام هستند به شمار **نقیبان بنی اسرائیل**. او گفت: جایگاه آنها در **بهشت** کجاست؟ پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: با من و هم منزلت با من.

روایت از نصر بن سويد

«النَّصْرُ بْنُ سُوَيْدٍ عَنِ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ: رَأَيْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَوْمَ عَرَفَةَ بِالْمَوْقِفِ، وَ هُوَ بِنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) كَانَ الْأَمَامَ، ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام)، ثُمَّ هُوَ، فَبِنَادِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لِمَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَ عَن يَمِينِهِ، وَ عَن يَسَارِهِ، وَ مِنْ خَلْفِهِ ائْتَى عَشْرٌ صَوْتًا. وَ قَالَ عَمْرُو: فَلَمَّا أَتَيْتُ مَنِيَّ سَأَلْتُ أَصْحَابَ الْعَرَبِيَّةِ عَنِ تَفْسِيرِ «هُوَ» فَقَالُوا: هُوَ لَعْنَةُ بَنِي فَلَانٍ: إِنَّا فَاسِلُونِي.»

[117] کلینی، مجد بن یعقوب، کافی، ج 4، ص 466، ج 1.

نصر بن سويد به نقل از **عمرو بن ابی‌مقدام: روز عرفه حضرت صادق (عليه السلام)** را در موقف دیدم که با رساترین صدا ندا در می‌داد: ای مردم! پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) **امام** بود و سپس علی بن ابی‌طالب و سپس حسن و سپس حسین و سپس علی بن الحسین و

سپس محمد بن علی و سپس «هه». او این ندا را سه بار: روبرو و سمت راست و چپ و پشت سرش به دوازده صدا ندا کرد. عمرو گفت: چون به **منی** آمدم از عربی دانان پیرامون واژه «هه» پرسش کردم. آنها گفتند: «هه» گویش بنی فلان است: (به مفهوم) من، پس از من پرسید. او می‌گوید: از عربی دانان دیگر پرسیدم. آنها نیز همین را گفتند.»

پانویس

۱. [↑ صدوق، مجد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۰، ح ۵۴۰۸.](#)
۲. [↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۹ و فيه «ثلاثة» بدل «اربعة»، و الظاهر انه تصحیف من النسّاح.](#)
۳. [↑ مجلسی، مجدباقر، مرآة العقول، ج ۶، ص ۲۲۷، ح ۹.](#)
۴. [↑ صدوق، مجد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۶۹، ح ۱۳.](#)
۵. [↑ صدوق، مجد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۱۱، ح ۳.](#)
۶. [↑ مفید، مجد بن نعمان، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۶.](#)
۷. [↑ حموی، حوینی، ابراهیم بن مجد، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۹ کَلَّهَا عن ابی الجارود عن الامام الباقر \(عليه السلام\).](#)
۸. [↑ نساء/سوره ۴، آیه ۵۹.](#)
۹. [↑ صدوق، مجد بن علی، کمال الدین، ص ۲۵۲، ح ۳.](#)
۱۰. [↑ ابن شهر آشوب، مجد بن علی، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۸۲.](#)
۱۱. [↑ حسینی، استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۴۱.](#)
۱۲. [↑ خزاز قمی، رازی، علی بن مجد، کفایة الاثر، ص ۵۲.](#)
۱۳. [↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲ و ۳.](#)
۱۴. [↑ مجادلة/سوره ۵۸، آیه ۲۲.](#)
۱۵. [↑ قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، نایع المودة، ج ۳، ص ۲۸۳، ح ۲.](#)
۱۶. [↑ حموی، حوینی، ابراهیم بن مجد، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۳، ح ۴۳۱.](#)
۱۷. [↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۴۶۶، ح ۱۰.](#)

منبع

[حديثت، برگرفته از مقاله «امامت در فرزندان امام علی» تاریخ بازبینی: ۱۳۹۷/۵/۳۰.](#)

رده‌های این صفحه : [ائمه](#) | [عقاید شیعه](#) | [فرزندان امام علی](#) | [مقالات حدیثت](#)